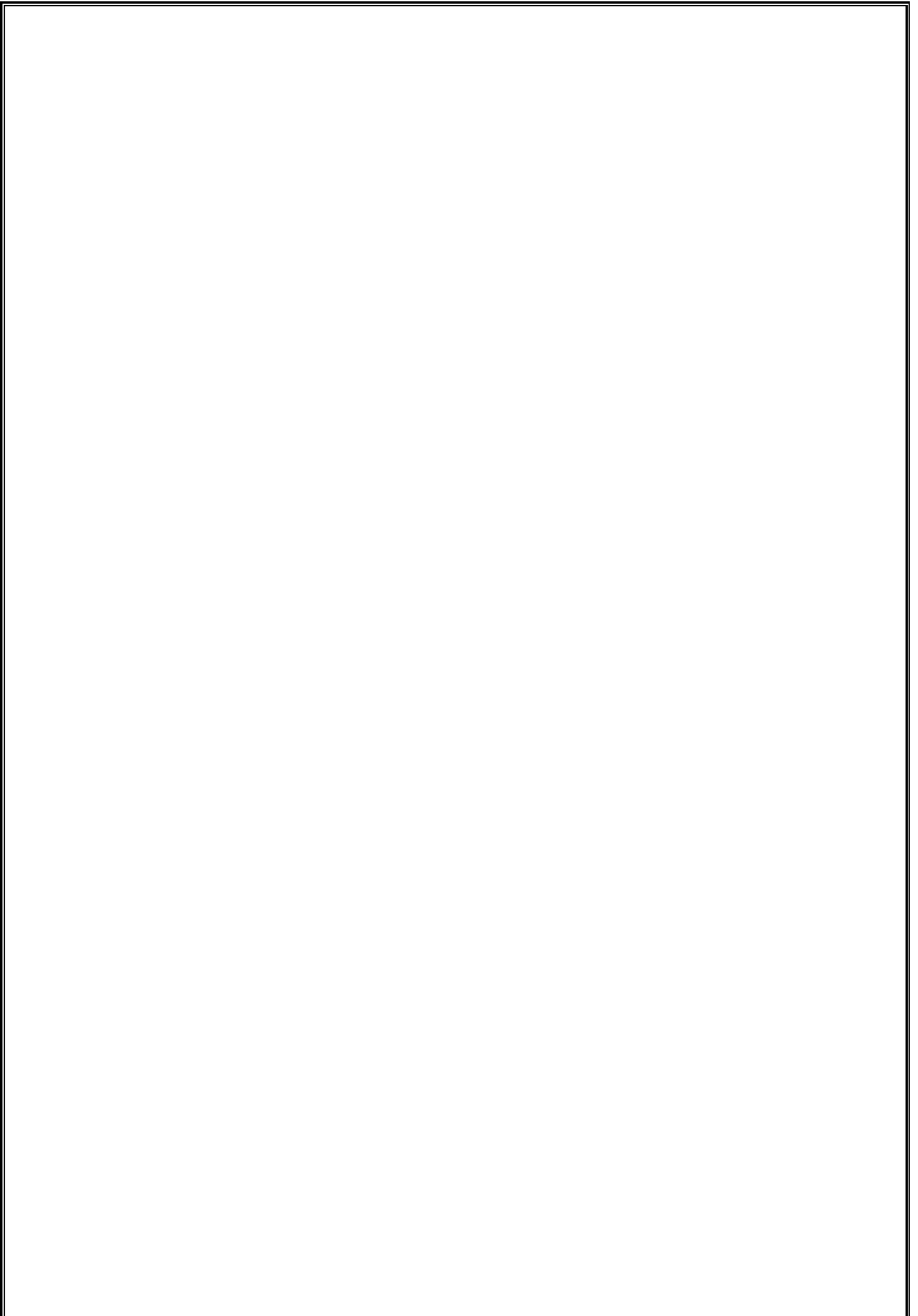


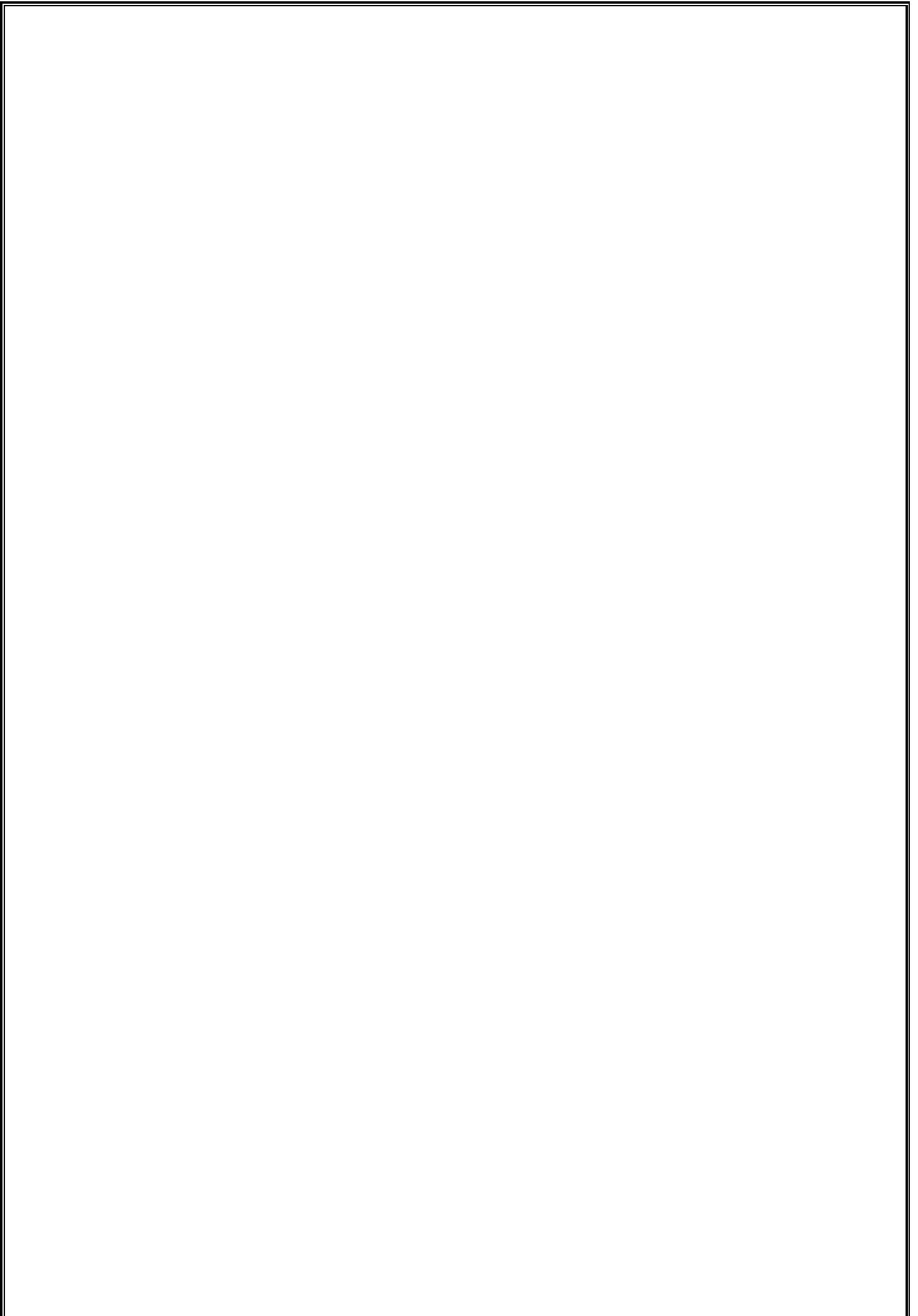
فضائل مأثوره عباس بن علی علیهماالسلام در آینه قرآن

نویسنده: علی جلالی

مرکز حقایق اسلامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



چکیده:

عباس بن علی بی ابی طالب علیهم السلام مشهور به ابوالفضل ، فرزند برومند امیرالمومنین علی علیه السلام و فاطمه بنت حزام مشهور به ام البنین است. بنا به قول مشهور ایشان در سال ۲۶ هجری قمری در مدینه به دنیا آمد. مادر حضرت عباس، توسط عقیل که نسب‌شناس بود به امیرالمومنین علیه السلام معرفی شده بود. ایشان از عقیل خواسته بود همسری برای او پیدا کند که بتواند فرزندان دلیر و شجاعی به دنیا بیاورد.

ایشان در واقعه کربلا پرچمدار سپاه سیدالشهداء علیه السلام بود و با تمام رشادت از امام زمان خود دفاع کرد تا در نهایت به شهادت رسید. برای ایشان فضایل و مقامات بسیاری وجود دارد که ما به برخی از آنها از کلام معصوم اشاره می‌کنیم.

کلیدواژگان: حضرت عباس علیه‌السلام ، زیارت نامه ، مأثوره ، شهید ، اطاعت

مقدمه

برای نوشتن از مقام حضرت قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام مطالب زیادی وجود دارد ولی ما در این نوشتار سعی می‌کنیم با توجه به کلمات معصومین که کلامشان دقیق و بدون هوی و هوس می‌باشد بحث را پیش ببریم تا نگاهی دقیق به مقام و جایگاه ایشان پیدا کنیم.

در میان زیارت نامه‌های معصوم زادگان، سه زیارت نامه را خود امام معصوم به ما آموزش داده است که در زیارت چه بگوییم که در اصطلاح به آن زیارت مأثوره گفته می‌شود. یکی از آنها زیارت حضرت عباس بن علی علیه السلام می‌باشد. شیخ اجل، جعفر بن قولویه قمی { م ۳۶۸ ق } به سند معتبر از ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام این زیارت نامه را نقل می‌کند. در فرازی از این زیارت نامه این طور می‌خوانیم که :

لَعْنَةُ اللَّهِ مَنْ جَهَلَ حَقَّكَ، وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ^۱

به بیان امام صادق علیه السلام جهل به مقام ایشان باعث هتک حرمت به ایشان شد. پس کسی که معرفت به جایگاه حضرت داشته باشد حرمت حضرت را نگه می‌دارد. برای شناخت مقام حضرت عباس علیه السلام چه منبعی بهتر از کلام معصوم که به دقت به معرفی ایشان پرداخته است. ما در ادامه به فرازهایی از زیارت نامه حضرت اشاره می‌نماییم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ

یکی از ویژگی‌های حضرت عباس علیه السلام، این است که ایشان عبد صالح خداست. خداوند وقتی می‌خواهد حضرت نوح و لوط علیهما السلام را که از انبیای الهی هستند معرفی کند آنها را به دو عبد صالح خدا معرفی می‌کند و می‌فرماید:

{ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوْحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِّنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ^۲}

یا حضرت سلیمان از خداوند می‌خواهد که در زمره عباد صالح خداوند قرار گیرد.

^۱ خدا لعنت کند کسی که به حَقَّت جاهل بود و حرمت را سبک شمرد

^۲ تحریم / ۱۰ : خدا برای کافران زن نوح و زن لوط را مثال آورد که تحت (فرمان) دو بنده صالح ما بودند.

{وَأَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ}³

و همینطور ما در سلام نمازهای پنج گانه به بندگان صالح خدا سلام می دهیم و می گوئیم السلام علینا و علی عباد الله الصالحین. همه اینها نشان دهنده مقام بالای عبد صالح خداوند بودن است که به فرمایش امام صادق علیه السلام، حضرت عباس علیه السلام دارای چنین صفتی می باشد.

الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ

یکی دیگر از ویژگی های حضرت عباس علیه السلام اطاعت پذیر بودن در برابر خدا، رسول او و اوصیای به حق ایشان می باشد. خداوند در قرآن می فرماید { مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ }⁴ چون پیامبر از جانب خودش کلامی نمی گوید و هر چه بگوید از جانب خداست.⁵ این ویژگی را خداوند به اوصیای پیامبر که اهل بیت عصمت و طهارت هستند هم اعطا می کند و اطاعت از ایشان را در کنار اطاعت از خود و پیامبرش قرار می دهد و بر همه واجب می کند که از ائمه اطهار علیهم السلام باید اطاعت پذیری محض داشته باشید. این مهمترین دستور پیامبر می باشد که آینده بشریت را رقم می زند که اگر وارد کشتی اهل بیت بشوند نجات پیدا می کنند و به سعادت می رسند و اگر اهل بیت را کنار بگذارند نابود می شوند.⁶ ولی خیلی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله که مدعی این بودند که مطیع خدا و رسول او هستند، کلام پیامبر در روز غدیر را که فرمود علی بن ابی طالب علیه السلام بعد من امام شماست را انکار کردند و در واقع مرتد شدند و از دایره اطاعت خداوند خارج شدند ولی حضرت عباس بن علی علیه السلام مطیع محض فرامین خدا و فرستادگان ایشان بود و امام صادق علیه السلام به این مطلب گواهی دادند.

أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكَلْ

گواهی می دهیم که تو سستی نورییدی و باز نایستادی

³ نمل / ۱۹: مرا به لطف و رحمت خود در صف بندگان صالح خود داخل گردان

⁴ نساء / ۸۰: هرکس از رسول خدا صلی الله علیه و آله اطاعت کند، از خداوند اطاعت کرده است

⁵ نجم / ۳ و ۴

⁶ {أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ} (نساء / ۵۹)

⁷ {إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ دَخَلَهَا نَجَّى، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ} {امالی، شیخ طوسی، ص ۶۳۳}

حضرت عباس علیه السلام در یاری امام زمان خود نه تنها سستی نکرد بلکه از هیچ تلاشی دریغ نکرد و در این راه هیچ ترسی به خود راه نداد و مصداق این آیه قرآن شد که { إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ }^۸

پرچم در جنگهای قدیم اهمیت به سزایی داشت و ارتباط و اعتماد در جبهه خودی را برقرار می کرد و در قلب لشکر در دست فرمانده یا کنار وی قرار می گرفت و وسیله ای بود برای این که فرمانده بتواند ارتباط خود را با افراد برقرار کند و برافراشتگی پرچم دلیل بر پا برجائی لشکر و علامت پیروزی بود و اگر پرچم سپاه می افتاد نشانه شکست سپاه بود.

صبح عاشورای سال ۶۱ هجری حضرت سیدالشهداء علیه السلام پس از اقامه نماز صبح تمامی نیروهایش را که شامل سی و دو سواره نظام و چهل پیاده بودند آرایش نظامی داد. زهیر بن قین را به فرماندهی جناح راست و حبیب بن مظاهر را فرماندهی جناح چپ داد و پرچم خویش را به دست برادرش عباس بن علی علیه السلام داد و بدین ترتیب نبرد نابرابر روز عاشورا با حمله ی نیروهای عمر بن سعد به یاران و خیمه های امام حسین (علیه السلام) آغاز گشت.

یکی از جاهایی که می توان این فراز از زیارت نامه را که حضرت عباس علیه السلام نه تنها سستی نکرد بلکه به ماموریت خود ادامه داد و از کار باز نیاستاد را به خوبی فهمید ، بیانات و رجزهای خود ایشان در این قسمت از تاریخ است که حضرت عباس علیه السلام وقتی در طلب آب می رفت که بر او حمله بردند . او هم به آنها حمله برد و چنین رجز می خواند

لا أَرْهَبُ الْمَوْتَ إِذِ الْمَوْتُ رَقِيَ حَتَّى أُوَارَى فِي الْمَصَالِيَتِ لِقَا
نَفْسِي لِنَفْسِ الْمُصْطَفَى الطُّهْرِ وَقَا إِنِّي أَنَا الْعَبَّاسُ أُغْدُو بِالسَّقَا
وَلَا أَخَافُ الشَّرَّ يَوْمَ الْمُلتَقَى^۹

^۸ فصلت / ۳۰: آنان که گفتند: محققا پروردگار ما خدای یکتاست و بر این ایمان پایدار ماندند فرشتگان رحمت بر آنها نازل شوند (و مژده دهند) که دیگر هیچ ترسی (از وقایع آینده) و حزن و اندوهی (از گذشته خود) نداشته باشید و شما را به همان بهشتی که (انبیا) وعده دادند بشارت باد.

^۹ از مرگ نمی هراسم ؛ زیرا مرگ ، ترقی و صعودی است / که مرا در پشت شمشیرها ، پنهان می کند
جانم ، سپر جان پاکیزه مصطفی باد / من ، عباسم که سقا گشته ام
و به روز برخورد ، هراسی از شر ندارم

پس آنان را متفرق کرد. وقتی زید بن ورقای جهنی، در پشت درخت خرمایی به کمین او نشست و حکیم بن طفیل سنبسی نیز او را یاری داد و بر دست راست عباس علیه السلام ضربه ای زد و آن را قطع کرد. عباس علیه السلام، شمشیر را به دست چپ گرفت و به آنها حمله برد و چنین رجز می خواند

وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُمْ يَمِينِي
إِنِّي أُحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي
وَعَنْ إِمَامٍ صَادِقٍ الْيَقِينِ
نَجَلِ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْأَمِينِ^{۱۰}

آن گاه، جنگید تا ناتوان شد. حکیم بن طفیل طایی، از پشت درخت خرما به او کمین زد و بر دست چپش ضربه ای زد [و آن را قطع کرد]. عباس علیه السلام نیز خواند

يَا نَفْسُ لَا تَخْشَى مِنَ الْكُفَّارِ
وَأَبْشِرِي بِرَحْمَةِ الْجَبَّارِ
مَعَ النَّبِيِّ السَّيِّدِ الْمُخْتَارِ
قَدْ قَطَعُوا بَيْعِهِمْ يَسَارِي
فَأَصْلِهِمْ يَا رَبِّ حَرَّ النَّارِ^{۱۱}

این فراز از تاریخ به خوبی پایداری و مقاوت و سستی نورزیدن حضرت عباس علیه السلام را در برابر دشمن به تصویر می کشد

وَأَنْتَ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ

و بر آگاهی از کارت از دنیا رفتی

خداوند در قرآن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید که به مردم این طور بگو {هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي}^{۱۳} یکی دیگر از ویژگی های حضرت عباس علیه السلام که از پیروان حقیقی رسول خدا می باشد، آگاهی، بصیرت و اعتقاد نسبت به مسیر مورد انتخاب خود بود. ایشان که راه حق و صراط مستقیم را به درستی شناخته بود و آن را در اطاعت محض از امام زمان خود

^{۱۰} به خدا سوگند، اگر دست راستم را قطع کنید / من، همیشه از دینم حمایت می کنم

و نیز از امام راستگو و استوارباوری / که نواده پیامبر پاک و امین است

^{۱۱} ای جان! از کافران مترس / و به رحمت خدای جبران کننده، بشارت باد

همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله، سرور برگزیده / با سرکشی شان، دست چپم را قطع کردند

پروردگارا! آنان را به داغی آتش برسان

^{۱۲} المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۴ ص ۱۰۸

^{۱۳} یوسف / ۱۰۸: طریقه من و پیروانم همین است که خلق را به خدا با بینایی و بصیرت دعوت کنیم

می دید ، ثبات قدم خود در این مسیر را از دست نداد. وقتی امام از مکه حرکت کرد افراد بسیاری به امید رسیدن به مقام و منصب به همراه امام حرکت کردند و از آن طرف جمعیت زیادی با سفیر امام ، مسلم بن عقیل بیعت کردند و در رکاب او قرار گرفتند ولی چون به کار خود اعتقاد نداشتند و نیت آنها دنیا بود با سختی کار امام و سفیر او را تنها گذاشتند و چه زیبا حضرت سیدالشهداء علیه السلام به این قضیه اشاره کردند که : **إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَالدِّينُ لَعَقٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَائِشُهُمْ فَإِذَا مُحِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ**^{۱۴} اما در طرف مقابل با اینکه حضرت عباس و برادرانش در تنگی محاصره دشمن بودند و مرگ خود را حتمی می دانستند ولی از عقیده خود دست بر نداشتند. در تاریخ آمده که دو نفر برای حضرت عباس علیه السلام و برادران او در کربلا امان نامه فرستادند که ایشان و برادرانش هر دو را رد کردند؛ امان نامه نخست را عبدالله بن ابی المحل بن حزام عامری آورد. او توانست از عبیدالله بن زیاد امان نامه ای برای پسران عمه خود بگیرد و آن را توسط غلام خود برای آنها بفرستد. وقتی حضرت عباس علیه السلام و برادرانش این امان نامه را خواندند، گفتند که ما در امان خداوند هستیم و هیچ نیازی به چنین امان نامه ننگینی نداریم.^{۱۵} امان نامه دوم را شمر بن ذی الجوشن در ظهر عاشورا به حضرت عباس و برادرانش پیشنهاد کرد و آنها را صدا زد، اما جوابی نشنید. سیدالشهداء علیه السلام به آنها فرمود گرچه او فاسق است، اما جوابش را بدهید. شمر به آنها به شرط تسلیم شدن و اطاعت از یزید مژده امان داد. حضرت عباس، او و امان نامه اش را لعنت کرد و گفت: ای دشمن خدا! مرگ بر تو که ما را به اطاعت از کفر و ترک همراهی برادرم حسین (علیه السلام) فرامی خوانی.^{۱۶}

غبطه شهدا به مقام حضرت

امام علی بن الحسین علیه السلام در کلامی عموی بزرگوار خود را اینطور معرفی می کند و جایگاه او را برای ما تشریح می کند که: **رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ يَعْنِي ابْنَ عَلِيٍّ فَلَقَدْ آثَرَ وَأَبْلَى وَفَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى**

^{۱۴} تحف العقول ، ابن شعبه حرانی ، ص ۲۴۵ : راستی که مردم بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبان آنهاست، تا جایی که دین وسیله زندگی آنهاست، دین دارند و چون در معرض امتحان قرار گیرند، دینداران کم می شوند.

^{۱۵} مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۱، ص ۳۴۸-۳۴۹؛ الفتوح ، ابن اعثم الکوفی، ج ۵، ص ۹۳

^{۱۶} الکامل ، ابن اثیر، ج ۱۱، ص ۱۶۲؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۱، ص ۳۴۹؛ الفتوح ، ابن اعثم الکوفی ، ج ۵، ص ۹۴

قُطِعَتْ يَدَاهُ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ بِهِمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جَعَلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَابْنِ
لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَنْزِلَةٍ يَغِيْطُهُ بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^{۱۷}

خدا عباس بن علی را رحمت کند که برادرش را بر خود مقدم داشت و برای او جانفشانی کرد و خود را قربان او کرد تا دو دستش جدا شد و خدا بعوض آنها دو بال به او داد که با آنها همراه فرشتگان در بهشت پرواز می‌کند چنانچه برای جعفر بن ابی طالب قرار داد، برای عباس نزد خدا مقامی است که جمیع شهیدان در روز قیامت غبطه آن را می‌برند.

به بیان امام معصوم مقام حضرت عباس علیه السلام نزد خداوند آنقدر بالاست که همه شهدا به جایگاه او در قیامت غبطه می‌خورند.

در میان افراد کمتر کسی به مقام شهید می‌رسد. با نگاهی به آیات قرآن می‌توان فهمید که شهید از چه جایگاهی بلندی نزد خداوند برخوردار است. خدا در قرآن وقتی می‌خواهد درباره شهدای راه خدا صحبت کند، ایشان را چنین وصف می‌کند که: {وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ^{۱۸}

ما بر مبنای قرآن که شهیدان را زنده می‌داند، به ایشان سلام کرده، با آنان حرف می‌زنیم و توسل می‌جوییم. این جایگاه بالای شهید است که خداوند گمان غلط مردم را متذکر می‌شود که شهید زنده است و جایگاه ویژه نزد خدا دارد.

در روایتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی را دید که مشغول خواندن دعا بود و می‌گفت: خدایا! از تو بهترین چیزی را می‌خواهم که از تو خواسته می‌شود؛ پس برترین چیزهایی را که

^{۱۷} الخصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۷۹، الجزء الأول باب الاثنین رجلان جعل الله عز و جل لكل واحد منهما جناحین

یطیر بهما مع الملائكة فی الجنة

^{۱۸} آل عمران / ۱۶۹ - ۱۷۱

البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند (به حیات ابدی و) در نزد خدا متعمم خواهند بود. آنان به فضل و رحمتی که خدا نصیبشان گردانیده شادمانند، و دلشادند به حال آن مؤمنان که هنوز به آنها نپیوسته‌اند و بعداً در پی آنها به سرای آخرت خواهند شتافت که بیمی بر آنان نیست و غمی نخواهند داشت. دلشادند به نعمت و فضل خدا و این که خداوند اجر اهل ایمان را هرگز ضایع نگذارد.

عطا می‌کنی، به من عطا کن. رسول خدا فرمود: اگر دعایت مستجاب شود، خونت در راه خدا ریخته می‌شود [تا بدان وسیله به بهترین عطای خداوند برسی].^{۱۹}

این جایگاه بالای شهید در نزد خداوند است که این چنین به او عنایت می‌کند. شهدا با چنین جایگاهی که در نزد خداوند دارند به بیان امام چهارم در روز قیامت به مقام بالای حضرت عباس بن علی علیه السلام غبطه می‌خورند.

این مطالب نمی‌از دریای بیکران فضائل حضرت قمرینی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام می‌باشد که به خاطر معرفت به امام زمان خود و اطاعت از ایشان، حضرت را به جایگاهی رساند که به بیان حضرت زین العابدین علیه السلام شهدا که بالاترین جایگاه را دارند در قیامت به مقام ایشان غبطه می‌خورند.

وظیفه ما به عنوان شیعه الگوگیری از سیره حضرت در مقابل امام زمان خود می‌باشد تا با این روش ما هم بتوانیم در کشتی نجات اهل بیت علیهم السلام سوار شده و به ساحل سعادت برسیم.

^{۱۹} مستدرک الوسائل، ۱۳/۱۱، ح ۱۲۲۹۵: وَ رَأَى (صلى الله عليه وآله) رَجُلًا يَدْعُو وَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا تُسْأَلُ، فَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا تُعْطِي، فَقَالَ (صلى الله عليه وآله): إِنَّ اسْتَجِيبَ لَكَ أَهْرِيْقَ دَمِكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۶ق

- ابن اعثم الکوفی، احمد بن علی، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، چاپ اول،

۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م

- خوارزمی، الموفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق و تعلیق محمد السماوی، قم، انوار الهدی،

چاپ اول، ۱۴۱۸ق

- شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی بن حسین، تحف العقول فیما جاء من الحكم و المواعظ من آل

الرسول، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش

- ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، الخصال، با مقدمه و ترجمه و تصحیح سد

احمد فهري زنجانی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، موسسه انتشارات علامه

- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق

- مظفر، عبدالواحد بن احمد، موسوعه بطل العلقمی، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۴۲۹ق